

کتاب «معبد زیرزمینی» نوشته معصومه میرابوطالبی، در آستانه رونمایی تقریظ رهبر انقلاب بر آن، به چاپ

چهل وچهارم رسید.

این کتاب دربرگیرنده خاطرات مقنی‌ها از جنگ تحمیلی و دفاع مقدس است. رهبر معظم انقلاب نیز همزمان با فرارسیدن هفته دفاع مقدس امسال برای کتاب معبد زیرزمینی تقریظ نوشتند که قرار است

«معبد زیرزمینی»

به چاپ چهل وچهارم رسید

این رمان با کشمکش‌های درونی و درگیری‌های

الیاس با اطرافیانش شروع می‌شود و مخاطب را از کمال‌آباد تا خا کریز جبهه‌های جنوب با خود همراه می‌کند. همچنین این کتاب معرف شخصیت شهید غلامحسین رعیت رکن‌آبادی نیز هست؛ مقنی‌زدی و ساکن قم که تبحر او در حفر کانال باعث می‌شود مورد توجه فرماندهان نظامی در زمان جنگ قرار بگیرد.

فردا ۱۱بهمن در هجدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت رونمایی شود.

کتاب معبد زیرزمینی شامل خاطراتی است که هرچند تأثیر جالبی در عملیات فتح‌المبین داشته‌اند، اما با وجود گذشت بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی، همچنان ناگفته مانده و نقل زبان‌ها و محافل نشده‌اند. شخصیت اصلی رمان، جوانی به نام الیاس است.

نقد علمی؛ نیاز ادبیات پایداری

محمد مرادی، شاعر و استاد دانشگاه معتقد است باید تعریف جامع‌تری از ادبیات ایثار و پایداری ارائه دهیم



ایشان شاعری گروه فرهنگ و هنر

نهمین «کنگره ملی شعر و داستان ایثار» هفته گذشته در شیراز، پایتخت شعر و ادب کشور به کار خود پایان داد و قرار است از دوره آینده این کنگره به دو کنگره مجزای شعر و داستان تقسیم شود. دبیری علمی این رویداد را دکتر محمد مرادی، شاعر و استاد دانشگاه بر عهده داشت. مرادی که از چهره‌های نام‌آشنای شعر فارس است، علاوه بر هنر شاعری، در کسوت یک استاد ادبیات و رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز، در ارتقای سطح ادبی و پژوهشی فارس نیز نقش قابل توجهی داشته است.

در این گفت‌وگو ضمن بررسی وضعیت ادبیات پایداری و شعر با موضوع ایثار و شهادت در سال‌های اخیر، به آسیب‌شناسی کنگره‌هایی که در این حوزه در کشور اجرا می‌شوند پرداخته‌ایم.

با توجه به این‌که شما خودتان یک چهره علمی و دانشگاهی هستید، چه شد که به بحث دبیری علمی و برگزاری کنگره‌ها ازجمله کنگره شعر و داستان ایثار وارد شدید و دلیل رغبت شما به ورود به این حوزه چه بود؟

من ۱۰سال پیش درگیر کارهای اجرایی، ازجمله دبیری علمی کنگره‌ها، چه در سطح استانی و چه کشوری، به‌ویژه در زمینه دفاع مقدس بوده‌ام. شاید یکی از دلایل پذیرش دبیری علمی کنگره این باشد که دیگر گرفتار و درگیر کارهای اجرایی هستم. این گرفتاری مسری است و سال‌هاست که ادامه دارد. اما اولین باری که در سال ۱۴۰۰، به‌عنوان دبیر علمی این برنامه یعنی کنگره ملی شعر ایثار، دعوت شدم، با افتخار پذیرفتم. دلیل این تصمیم یکی علاقه شخصی من به این حوزه بود و دیگری این‌که مجموعه بنیاد شهید معمولاً در برگزاری کنگره‌ها با دقت و وسواس زیادی کار می‌کند. در حوزه‌های علمی نیز اختیارات کاملاً شفاف است و آدم با فراغ پال می‌تواند کارش را انجام دهد.

حالا اگر بخواهید کنگره امسال را با دوره ۱۴۰۰ مقایسه کنید، به نظر شما از نظر شرکت‌کنندگان و مخاطبان شعر و داستان چگونه بود؟ آیا به نظر شما پیشرفت کرده‌ایم؟

آثار امسال تقریباً سه‌برابر شده است؛ درحالی‌که در سال گذشته حدود ۲۰۰۰ اثر داشتیم، امسال بیشتر از ۶۰۰۰ اثر دریافت کردیم. البته از میزان آثار ارسال شده به کنگره‌ای که در سال بعد از دبیری من در قزوین برگزار شد، اطلاعی ندارم؛ اما از نظر کیفیت، به نظر می‌رسد که کارها رشد چشمگیری داشته‌اند. به‌عنوان مثال، در فهرست آثار، نام‌های درخشان‌تری مشاهده می‌شود و تعداد آنها نیز افزایش

یافته است. همچنین، انتخاب آثار نهایی دشوارتر شده است. این امر نشان‌دهنده نزدیکی و بهبود کیفیت کارهاست. تنها تفاوتی که وجود داشت این بود که امسال داستان هم به برنامه کنگره اضافه شده بود. سال گذشته، ما بخش فراخوان بین‌المللی داشتیم و از ۱۱ کشور، به‌ویژه کشورهای عربی، اثر دریافت کردیم. هرچند به دلیل مشکلات، به‌ویژه این‌که برگزاری کنگره در اواخر دوران همه‌گیری کرونا بود، امکان حضور شاعران در شیراز وجود نداشت و بیشتر آثار به صورت مجازی و در قالب کتاب‌ها ارائه شد.

به نظر شما رویدادهایی که در سطح کشور به‌عنوان کنگره و جشنواره‌های بین‌المللی برگزار می‌کنیم، واقعاً چقدر بین‌المللی هستند؟ چرا که بیشتر این رویدادها بیشتر به کشورهای جهان اسلام، کشورهای فارسی‌زبان یا کشورهای منطقه محدود می‌شوند.

یادم هست که در آن سال، یعنی سال ۱۴۰۰ آثاری از ۱۱ کشور دریافت کردیم، اما

بیشتر این کشورها در خاورمیانه بودند. حتی پارسال هم که شب شعر بین‌المللی در شیراز برگزار شد، مهمانان از کشورهای منطقه بودند. اگر منظور از بین‌المللی بودن، بین قاره‌ها باشد، فکر نمی‌کنم که تا حالا چنین برنامه‌ای برگزار کرده باشیم.

آیا واقعاً کشور ما که به شعر شناخته می‌شود و ادبیات در تاریخ فرهنگ ما محوریت دارد، ظرفیت برگزاری جشنواره‌ای بین‌المللی در زمینه شعر را ندارد و برگزاری چنین رویدادی در ایران شدنی نیست؟

از نظر ظرفیت علمی و جایگاه ادبی و فرهنگی ایران، هیچ تردیدی وجود ندارد که ما هنوز هم در خیلی از جاها به‌عنوان یک کشور شعرشناس شناخته می‌شویم. اگر به مثال‌هایی از نشست‌های بین‌المللی نگاه کنیم، مانند یادرز حافظ، سعدی و

فردوسی، می‌بینیم که محققانی از آمریکا، اروپا، استرالیا، چین و ژاپن در آنها حضور دارند. مادر برخی از رویدادهای پژوهشی ادبی مان، تا حدودی تجربه بین‌المللی بودن را داشته‌ایم. اما در شعر، به دلیل این‌که ما تأکید داریم شاعرانی که آثار خود را ارائه می‌دهند، عمدتاً به مضامین پایداری و معناگرایی بپردازند، یک مقداری سایه سیاسی هم بر این موضوع سنگینی می‌کند.

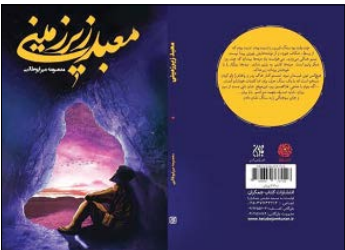
شعر، مانند پژوهش نیست که شما بتوانید ترجمه کنید و بفهمید چه اتفاقی در آن افتاده است. شعر باید با موسیقی و الفاظش ارتباط برقرار و حسی را به مخاطب منتقل کند. این موضوع هم به نظر من مانع است. باین حال، فکر می‌کنم حول محور شاعران بزرگ، مانند سعدی، حافظ و مولوی، ظرفیت‌های زیادی برای برگزاری رویدادهای ادبی بین‌المللی داریم. ما به‌عنوان شاعر، نیازی نداریم که فقط به چهره‌های ادبی و جغرافیای فعلی محدود باشیم. شاعران بزرگی مانند بیدل، خیام، عطار و نظامی داریم که می‌توان برنامه‌هایی برای آنها ترتیب داد تا شاعران برتر کشورهای مختلف جهان به شعرخوانی بپردازند. این شعرها می‌توانند موضوعاتی انسانی، عاشقانه و عاطفی داشته باشند. اگر امکانات لازم را فراهم کنیم، چنین اتفاقاتی می‌تواند بیفتد!

اما یک مسأله دیگر این است که وقتی می‌گوییم جشنواره بین‌المللی برگزار کنیم، آیا واقعا ۴۰ تا ۵۰ یا ۵۰ شاعر قرار است بیایند؟ بحث رفت‌وآمد و هزینه‌های جانبی این شاعران

برش

تأثیر راه‌اندازی رشته ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها

واقعیت این است که در برخی دانشگاه‌ها اتفاقات خوبی در حال رخ‌دادن است و برخی دانشجویان می‌توانند منتقدان خوبی در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی باشند. مجلات و همایش‌هایی هم در این باره وجود دارد اما چند مسأله در این میان هست که به تعریفی که از ادبیات پایداری داریم برمی‌گردد. من معتقدم اگر ادبیات پایداری را به‌عنوان ادبیاتی معناگر که از اخلاق انسانی دفاع می‌کند ببینیم و آن را محدود به شعر دفاع مقدس نکنیم، اتفاقات مثبتی خواهد افتاد.



بسیار زیاد خواهد بود. همان‌طور که در برخی حوزه‌های ورزشی نتوانسته‌ایم به خوبی در ایران برنامه‌ریزی کنیم، دلایل متعددی وجود دارد.

این سؤال را به این دلیل می‌پرسم که عدم مراوده با شاعران جهان باعث شده که شعر ما به سمت درون‌گرایی برود و به مرزهای کشور و حداکثر دو یا سه کشور فارسی‌زبان، محدود شود. درحالی‌که پتانسیل فنی و محتوایی شعر ما به‌عنوان نماینده‌ای ارزشمند از هنر و ادبیات ایران در سطح جهان بسیار بالاست.

اگر ما این مراقبت را آغاز کنیم، پای شاعران ما نیز به عرصه بین‌المللی باز خواهد شد و حتی می‌توانیم در زمینه کسب جوایز بین‌المللی موفق شویم. باین حال، در حوزه ترجمه و رابری‌های فرهنگی، با چالش‌هایی مواجه هستیم. مثلاً رابری‌تی‌هایی که آقای قزوه در هند انجام داده‌اند، باعث تغییر و تحولانی شده و ارتباطات بیشتری را برقرار کرده است. اما مایک برنامه سیاست بلندمدت برای این نداریم که رابریان فرهنگی ما چگونه می‌توانند شعر ما را در نشست‌ها

و از طریق ترجمه‌ها معرفی کنند. این موضوع می‌تواند به بین‌المللی شدن شعر ما کمک کند. به‌عنوان مثال، بنیاد سعدی از ده‌ها کشور جهان زبان‌آموزان فارسی را به ایران می‌آورد، اما این افراد بیشتر شعر کلاسیک می‌خوانند. ما نتوانسته‌ایم شعر را به این تبادل متصل کنیم. در نشست‌های بین‌المللی، به جای این‌که به سمت شعر و حیات جدید زبان فارسی حرکت کنیم، بیشتر بر ادبیات گذشته تمرکز کرده‌ایم.

شما فرمودید که به حوزه شعر ایثار و مقاومت علاقه دارید و کارنامه‌تان نیز این را نشان می‌دهد. اما به‌عنوان یک استاد ادبیات، اگر بخواهید وضعیت شعر ما را به‌صورت کلی بررسی کنید، آیا ایراداتی که برخی افراد می‌گیرند مبنی بر این‌که

شعر ما به شعر یا تکرار افتاده را می‌پذیرید؟

منتقدان می‌گویند وقتی شعر بسیار درگیر ایدئولوژی می‌شود، جوهره ذاتی خود را از دست می‌دهد. ادبیات فارسی از دیرباز درگیر اندیشه، تعهد و معناگرایی بوده است. شعری ما مانند حافظ، سعدی و مولوی، معناگرا هستند و ما نباید شعر و سخنوری را فدای هر بیانی کنیم. اما متأسفانه تریبون‌ها، جشنواره‌ها و رسانه‌ها، شعر ما را در هیات‌ها، سرودها و محفل‌های انقلاب اسلامی به سمت شعارزدگی سوق داده‌اند. شما می‌توانید این شعارزدگی را در اشعار جشنواره‌های ایثار، شعر دفاع مقدس و دیگر جشنواره‌ها مشاهده کنید، ولی به نظر من، مقصر این شعارزدگی شاعران

نیستند، هرچند شاعران و غایب اجتماعی دارند اما نباید شعر خود را فدای برخی ضرورت‌ها کنند. به نظر می‌رسد که مقصر اصلی سیاست‌گذاران فرهنگی هستند. وقتی می‌گوییم ایثار، ذهن ما سریع به سمت خانواده شهدا می‌رود و فقط درباره آنها صحبت می‌کنیم. درحالی‌که ایثار می‌تواند ابعاد دیگری نیز داشته باشد. اگر با نگاهی وسیع نگاه کنیم، حتی گاهی لیخند می‌تواند یک نوع ایثار باشد و به نظر من «به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست». سعدی هم شعر ایثار و محبت است. به جای این‌که شعر معناگرایی خودمان را این قدر محدود کنیم، باید به جنبه‌های مختلف آن توجه نماییم. اختلاف‌نظری که در داستان‌نویسی نیز داریم، به همین دلیل است. برخی معتقدند که باید فقط به جنبه تقدس دفاع مقدس بپردازیم، درحالی‌که جنگ ابعاد دیگری نیز دارد. ما اگر بخواهیم هنرمندانه بنویسیم، باید این ابعاد را در آثارمان منعکس کنیم.

به نظر من، حرف شما درست است به این اعتبار که شما ماحصل جشنواره‌ها، جوایز و کتاب‌ها را نگاه می‌کنید. اما اگر کمی دورتر به ما جرا نگاه کنیم و شعرها و داستان‌های ایثار را مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم که ممکن است شعری را استاد شفیع‌الدکنی هیچ ارتباط مستقیم به مسائل ادبیات متعدد نداشته باشد، اما کاملاً متعهدترین شعر باشد. همین‌طور در آثار قصیر امین پور، استاد دکتر موسوی گرمارودی، و شعرهای اخوان ثالث، نیما و حتی فروغ نیز این موضوع صدق می‌کند. اگر این‌گونه ببینیم، مشکل حل می‌شود.

مسأله این است که حداقل مسئولان برگزاری کنگره‌ها این نگاه را چندان نمی‌پسندند.

تا حدودی می‌شود گفت که بله نمی‌پذیرند، اما من خودم در جاهایی که کنگره برگزار کرده‌ام، کوشیدم تا این رویکرد را تا حدی پیاده‌سازی کنم. هرچند نمی‌توانم بگویم که این اتفاق به‌طور قطعی می‌افتد. به نظر می‌رسد که فضای شعارزدگی مد شده است و هر تلاشی برای حرکت به سمت شعر، شاعر را درگیر جشنواره‌های کند و شعرش تحت تأثیر شعار قرار می‌گیرد. بله، مرزهایی وجود دارد که بسیاری از شعرهای خوب که در چهارچوب‌ها نمی‌گنجند، در مرحله دآوری کنار گذاشته می‌شوند. به‌خصوص اگر محورهای همایش خیلی محدود باشد، طبیعتاً کارهای زیادی در همان مرحله اول کنار می‌روند.



بسیاری از دانشجویانی که ابتدا با ادبیات دفاع مقدس یا پایداری زاویه دارند، وقتی این نگاه را ببینند، متوجه می‌شوند که ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی شامل ابعاد گسترده‌تری است. اگر بخواهیم این حوزه را محدود کنیم، همان اتفاقی می‌افتد که در بسیاری از دانشگاه‌ها مشاهده می‌شود؛ دانشجویانی که به دنبال رشته‌های دیگر هستند، چون نمره لازم را کسب نمی‌کنند، ناگزیر به مطالعه ادبیات پایداری می‌پردازند و این رشته برای‌شان به یک گریزگاه تبدیل می‌شود. مشکلی که مادر ادبیات انقلاب اسلامی و پایداری داریم، این است که نقداً تا حدی محدود کرده‌ایم. به بهانه این‌که ممکن است نقد به برخی اصول لطمه بزند، جلوی نقد را گرفته‌ایم. درحالی‌که نقد می‌تواند به رشد و پیشرفت ادبیات کمک کند. اگر ما خودمان نقد نکنیم، افرادی با نگاه غنیدلسوزانه به سمت جنبه‌های منفی‌تری روند و آنها را برجسته می‌کنند. فضای بیرونی این است که در ادبیات انقلاب اسلامی یا پایداری، چه در رشته‌ها، چه در جشنواره‌ها و چه در تولید آثار، اتفاق خوبی نمی‌افتد. بسیاری از آثار شعاری و درجه ۲ هستند. درحالی‌که واقعیت این است که ما آثار خوبی هم داریم که در سایه جنگ و انقلاب خلق شده‌اند و قابل دفاع هستند. اما این آثار با هم قاطی شده‌اند و باید از هم تفکیک شوند. و به همین دلیل به نقد علمی و دلسوزانه نیاز داریم.

قاب

تازه‌ترین کتاب‌های طنز سوره مهر

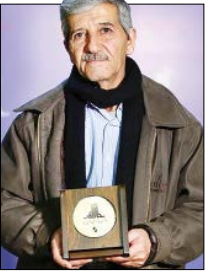
چهار کتاب طنز به‌تازگی در انتشارات سوره‌مهر به چاپ رسیده است. «شوگرچایی» به قلم علیرضا عیدی مجموعه‌ای از ۱۹ داستان طنز کوتاه با مضامین خانوادگی و اجتماعی است. «حاج خانم گل فوثبال» نوشته بنیامین کلاچاهی ثابت، داستان طنز عاشقانه‌ای است که ایده اولیه از ماجرای واقعی مادر بزرگ تنهایی گرفته شده که اوقات خود را با تماشای مستمر مسابقات فوئبال پر می‌کند. «بچه‌های حاج‌سیتی» نوشته احسان عباسلو داستان سه نوجوان است که اتفاقات بامزه و تلخ و شیرینی در محله و مدرسه رقم می‌زنند و سپس تحت‌تأثیر دوستان شهید خود به جبهه می‌روند. «شعله‌های سرد سیری»، اثری از جواد نوری به سیر طنز در تاریخ ادبیات همدان می‌پردازد.

دیدگاه

ادبیات داستانی ایران شکوفاست

صمد طاهری، نویسنده مجموعه داستان کوتاه «آن پریزاد سبزه‌گوش» برگزیده نهایی بخش داستان کوتاه جایزه ادبی جلال در گفت‌وگو با ایبنا گفت: ادبیات داستانی امروز ایران را بسیار امیدوار کننده و شکوفا می‌بینم. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ما حداکثر نام ۸-۷ نویسنده ممتاز و درجه یک را می‌توانستیم ببریم، اما حالا من بی‌اغراق می‌توانم اسم ۴۰-۳۰ نویسنده درجه یک را ببرم، چه از آقایان و چه از خانم‌های نویسنده.

وی گفت: از نویسندگان نسل چهارم که الان سن‌شان زیر ۵۰ است و همین‌طور نویسندگانی که الان سن‌شان زیر ۳۰ است و شاید بشود آنان را نویسندگان نسل پنجم نامید، آثاری خواننده‌ام که شگفت‌زده‌ام کرد؛ به دلیل غنای تخیل‌شان. اینها نویسندگانی هستند که از نسل‌های گذشته بسیار باسوادترند، هم از جهت شناخت مؤلفه‌های داستانی و هم کشف جهان‌های خیال‌انگیزی که اینترنت و فناوری جهان دیجیتال در اختیارشان گذاشته است.



فراخوان جایزه ادبی سیمین منتشر شد

سید محمدحسین حسینی، دبیر جایزه ادبی سیمین که به‌منظور گرامی‌داشت و نکوداشت یاد بانوی داستان‌نویسی معاصر ایران سیمین دانشور برگزار می‌شود گفت: ششمین فراخوان جایزه

داستان‌نویسی سیمین از تمامی نویسندگانی که توانایی عبور از کلیشه‌های رایج و خلق آثار نوآورانه را دارند، دعوت می‌کند تا با ارسال آثار خود در این رویداد ادبی و داستانی شرکت کنند. وی افزود: همانند دوره‌های پیشین، این جایزه ادبی محدودیت سنی و موضوعی ندارد. حسینی با بیان این‌که مهلت ارسال آثار تا ۲۹ اسفند تعیین شده و غیرقابل تمدید است افزود: موضوع نگارش داستان‌ها در این دوره آزاد تعیین شده و آثار باید دارای این شرایط باشند: اثر باید در قالب داستان کوتاه باشد، نباید کمتر از هزار و بیشتر از ۴۰۰۰ کلمه باشد. علاوه‌براین اثر نباید پیش از این منتشر شده یا در سایر جوایز شرکت داده شده باشد.

